

— جواد آسه

دانش آموخته حوزه علمیه

و دانش پژوه مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث

بازخوانی انتقادی از کتاب «آشنایی با دانش نحو»

۱۰۳-۹۳

بازخوانی انتقادی از کتاب «آشنایی با دانش نحو»

جواد آسه

چکیده: یکی از راه‌های بهینه‌سازی آموزش دانش‌ها، کارآمد و روزآمد سازی متن‌های آنهاست. در حوزه علمیه تولید متن‌های آموزشی جدید چندسالی است که در کانون توجه قرار گرفته و دفتری با نام دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه تأسیس شده است. کتاب «آشنایی با دانش نحو» یکی از متن‌های تولیدی این دفتر در حوزه دانش نحو است. در این مقاله ساختار این کتاب از نظر بیان مقدمه، ترتیب قواعد و تبویب باب‌ها و محتوای آن از نظر تعاریف، محتوای درس‌ها و تمرینات با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی نقد و بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: نحو، «آشنایی با دانش نحو»، ساختار، محتوا

A Critical Review of *Getting Familiar with the Knowledge of Syntax*

By: Javād Āse

Abstract: One of the ways to improve the ways of teaching knowledge is to make the texts more efficient and up-to-date. In the seminary school, the production of new educational texts has been at the heart of attention for several years, and an office has been established under the name of the Office of Compiling the Educational Texts of the Seminary Schools. *Getting Familiar with the knowledge of Syntax* is one of the texts produced by this office in the field of syntax. Using an analytical-descriptive method, the following paper is going to study and criticize the structure of this book in terms of presenting the introduction, the order of the rules, as well as classifying the chapters, and the content of the book in terms of definitions, the content of the lessons, and the exercises.

Key words: Syntax, *Getting Familiar with the Knowledge of Syntax*, structure, content.

مراجعة نقدیة لكتاب تعليم علم النحو

جواد آسه

من الوسائل المهمة في الارتقاء بالعملية التعليمية هو تطوير كفاءة النصوص الدراسية وجعلها أكثر انسجاماً مع متطلبات العصر. وقد حظيت مسألة تأليف النصوص الدراسية الجديدة في الحوزة العلمية باهتمام المسؤولين في هذه الحوزة منذ عدة سنوات، وتم تأسيس مكتب باسم مكتب تأليف النصوص الدراسية للحوزات العلمية.

وكتاب آشنایی با دانش نحو (=تعليم علم النحو) هو واحد من هذه النصوص الصادرة عن هذا المكتب في مجال علم النحو.

والمقال الحالي مخصّص لمناقشة ونقد شكل الكتاب من جهة المقدمة وترتيب القواعد وتبويب الأبواب، مع نقد مضمونه من جهة التعاريف وموادّ الدروس والتمارين، وذلك من خلال اتباع المنهج التحليلي الوصفي.

المفردات الأساسية: النحو، آشنایی با دانش نحو (=تعليم علم النحو)، الشكل، المضمون.

بازخوانی انتقادی از کتاب «آشنایی با دانش نحو»

جواد آسه

آشنایی با دانش نحو؛ محمدرضا
پایانی؛ قم: مرکز مدیریت
حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ ش.

۱. مقدمه

یکی از لازمه‌های آموزش و فراگیری هردانشی استفاده از متن آموزشی کارآمد و روزآمد است. در نگارش متن آموزشی برای هردانشی باید جدیدترین نظریه‌ها درباره آن دانش و روش‌ها در ارائه آن در نظر آورده و از شتاب در نگارش پرهیز شود.

تدوین متون آموزشی جدید در حوزه چند سالی است که در کانون توجه قرار گرفته و در همین راستا مرکزی با نام دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه ایجاد شده است. با انتصاب مدیر جدید این مرکز افزون بر تدوین متن جدید که وظیفه ذاتی این مرکز است، بازنگری و ویرایش محتوایی کتاب‌هایی که سالیان طولانی در حوزه تدریس می‌شود نیز در دستور کار قرار گرفته است.

بنابراین در سایت این مرکز در دسترس عموم قرار داده شده و به چاپ رسیده، دانش نحویکی از دانش‌هایی است که با آمدن مدیر جدید دو متن جدید با عنوان‌های «آشنایی با دانش نحو» ویژه فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه و «درس‌نامه نحو» ویژه فارغ‌التحصیلان دبیرستان برای آن تولید شده است. دو کتاب «الهیجة المرضیة فی شرح الالافیة» و «مغنی الادیب» که سالیان طولانی در حوزه تدریس می‌شود، بازنگری و ویرایش محتوایی شده است.

در این مقاله کتاب «آشنایی با دانش نحو» ویژه فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه نقد و بررسی می‌شود. این کتاب تألیف محمدرضا پایانی است و در سال ۱۳۹۵ ش برای بار دوم در ۱۹۲ صفحه از سوی انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه چاپ شده است. کتاب با مقدمه مؤلف، سخنی با استادان و سخنی با طلاب آغاز می‌شود. پنج فصل دارد و هر فصلی در قالب درس‌هایی ارائه شده است. عنوان‌های فصل‌ها عبارتند از:

فصل اول: کلیات و مقدمات دانش نحو

فصل دوم: اسم‌های مرفوع و عوامل رفع آنها

فصل سوم: اسم‌های منصوب و عوامل نصب آنها

فصل چهارم: اسم‌های مجرور و عوامل جر آنها

فصل پنجم: این نقد ذیل دو عنوان «نقد ساختاری» و «نقد محتوایی» ارائه می‌شود.

۲. نقد ساختاری

مراد از ساختار، مقدمه‌ها و عنوان‌ها و ترتیب آنها و نوع تبویب و ترتیبی است که در تألیف کتاب آموزش دانش نحو باید رعایت شود.

برای نگارش کتاب درسی در حوزه دانش نحو در حوزه دو مخاطب در نظر گرفته شده است: فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه و فارغ‌التحصیلان دبیرستان. برای هر یک از این مخاطبان سه کتاب نحوی در سه سطح آشنایی، تسلط و تکمیلی نوشته شده یا در حال نگارش است.

در کتابی که برای آموزش دانش نحونوشته می‌شود، بیان دو مقدمه، نخست با عنوان «مقدمه علم النحو» و دوم با عنوان «المقدمة النحویة / الكتاب» ضرورت دارد.^۱

در مقدمه نخست (مقدمه علم النحو) باید از تعریف این دانش، چگونگی پیدایش آن، هدف از تدوین آن، پدیدآوردندگان نخستین آن، کتاب‌های مهم این دانش، روش فراگیری آن، ویژگی‌های بارز آن و روش‌های تبویب و ترتیب آن و علت تبویب و ترتیب استفاده‌شده در این کتاب سخن به میان آورده شود.^۲ از آنجا که جمله از ترکیب کلمه‌ها شکل می‌گیرد، از این‌رو در مقدمه دوم (المقدمة النحویة) پیش از بیان احکام جمله اسمیه و فعلیه (احکام ترکیبی)، احکام کلمه باید بیان شود.^۳

در کتاب «آشنایی با دانش نحو» به دو مقدمه پرداخته شده است. در مقدمه نخست با عنوان «مقدمه مؤلف» از ضرورت و هدف تألیف و ویژگی‌های کتاب سخن آورده شده است.^۴ از مقدمه دوم در فصل اول با عنوان «کلیات و مقدمات دانش نحو»^۵ سخن به میان آمده است. در این فصل نُه درس آمده است. عنوان‌های این درس‌ها عبارتند از: درس اول با عنوان «علم نحو»، درس دوم با عنوان «کلمه و جمله»، درس سوم با عنوان «اعراب»، درس چهارم با عنوان «انواع اعراب و علامت‌های آن»، درس پنجم با عنوان «عوامل و علائم اعراب فعل مضارع»، درس ششم با عنوان «اعراب تقدیری و فرعی فعل مضارع»، درس هفتم با عنوان «انواع اعراب و علامت‌های آن در اسم»، درس هشتم با عنوان «اسماء مبنی ۱ (ضمائر)» و درس نهم با عنوان «اسماء مبنی ۲ (اسماء اشاره، موصول و شرط)».

نقد

اول اینکه به «مقدمه دانش نحو» پرداخته نشده و در «مقدمه مؤلف» درباره نوع تبویب و ترتیب به‌کارگرفته شده در کتاب توضیح داده نشده است. البته در ص ۱۷ کتاب نموداری با عنوان «ساختار کلی دانش نحو» آمده که باید ذیل عنوان «مقدمه دانش نحو» بیاید. حداقل دو گونه تبویب در کتاب‌های معتبر نحوی رایج است. یک تبویب بر اساس اثر عامل (مرفوعات، منصوبات، مجزومات و

دوم اینکه محتوای درس دوم باید ذیل «مقدمه دانش نحو» به بحث گذاشته شود. با لحاظ ترتیب فعلی، در درس دوم از «کلمه» و انواع آن سخن گفته شده، اما به علامت‌های اسم، فعل و حرف پرداخته نشده است. دیگر آنکه به تعریف جمله اشاره شده، اما از کلام سخنی به میان نیامده است.

سوم اینکه در عنوان درس سوم «بناء» نیز باید در کنار عنوان

۱. الأسس المنهجية لتبویب النحو العربي، العونى، حميدة، ص ۳۵-۴۳ و ۴۵-۶۲.

۲. الأسس المنهجية لتبویب النحو العربي، العونى، حميدة، ص ۲۵ و ۴۲-۴۳؛ أجد العلوم، الفوجى، صديق بن حسن، ص ۸۵-۸۷.

۳. المقاصد الشافية فى شرح الخلاصة الكافية، الشاطبى، ابراهيم بن موسى، ج ۱، ص ۳۱ و ۵۸۹؛ التطبيق النحوى، الراجحى، عبده.

۴. المقاصد الشافية فى شرح الخلاصة الكافية، الشاطبى، ابراهيم بن موسى، ج ۱، ص ۳۱.

۵. الأسس المنهجية لتبویب النحو العربي، العونى، حميدة، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۶. العلامة الاعرابية فى الجملة بين القديم والجديد، عبداللطيف، محمد حماسه، ص ۱۵.

۱. الأسس المنهجية لتبویب النحو العربي، العونى، حميدة، ص ۳۵-۴۳ و ۴۵-۶۲.

۲. الأسس المنهجية لتبویب النحو العربي، العونى، حميدة، ص ۲۵ و ۴۲-۴۳؛ أجد العلوم، الفوجى، صديق بن حسن، ص ۸۵-۸۷.

۳. المقاصد الشافية فى شرح الخلاصة الكافية، الشاطبى، ابراهيم بن موسى، ج ۱، ص ۳۱ و ۵۸۹؛ التطبيق النحوى، الراجحى، عبده، ص ۱۳.

۴. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمد رضا، ص ۱۰-۱۲.

۵. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمد رضا، ص ۱۹.

۳. نقد محتوایی

این کتاب برای فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه در مرحله آشنایی نوشته شده است.^{۱۶} هدف از تألیف آن آشنایی با مسائل مهم و مفاهیم کلیدی دانش نحو و مهارت نسبی در تطبیق آموخته‌ها بر جمله‌ها و عبارات‌های ساده بیان شده است.^{۱۷}

از آنجا که واژه «آشنایی» مفهوم‌شناسی نشده، معنای ترکیب اضافی «مرحله آشنایی» دارای ابهام شده است. شایسته بود که معنای این ترکیب اضافی تبیین می‌شد.

واژه «آشنایی» در لغت به معنای «اطلاع از امری یا شناختن کسی (معمولاً به صورت مقدماتی و اندک)»^{۱۸} و «آگاهی از امری، اطلاع از علمی، زبانی و مانند آن»^{۱۹} آمده است.

در این کتاب از یک طرف گفته شده در این مرحله (آشنایی) دانش‌پژوه با ساختار علم نحو به صورت کلی و اجمالی آشنا می‌شود و از طرف دیگر سخن از ورود این کتاب به مسائل عمده و دارای اولویت است. پرسشی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه معیار و ملاک مسائل عمده و دارای اولویت کدام‌اند؟ در این کتاب از یک سو سخن از نپرداختن به موارد و موضوعات به طور جامع و جزئی می‌شود، اما از سوی دیگر با پیشنهاد عناوینی ذیل عنوان «هم‌اندیشی و مباحثه» در پایان هر درسی از دانش‌پژوه خواسته شده به منابع تکمیلی رجوع کند.^{۲۰} ریشه این تشتت و تهافت در این است که مراد از «مرحله آشنایی» به صورت شفاف تبیین نشده و تفاوت این مرحله با دو مرحله دیگر نحوآموزی (مرحله تسلط و مرحله تکمیلی) به دست داده نشده است.

اگر مرحله آشنایی به معنای نخست (آگاهی مقدماتی و اندک) باشد، سخن گفتن از مهارت نسبی در تطبیق آموخته‌ها، آن هم بر عبارات‌ها جای تأمل دارد. بر فرض صحت این تعبیر، مراد از «جمله‌های ساده و عبارات‌های ساده» در جمله پیش گفته چیست؟ دیگر آنکه مهارت پیدا کردن در تطبیق آموخته‌ها و تجمیم آنها، در نهایت چه دستاوردی برای فراگیر خواهد داشت؟ آیا هدف از فراگیری این کتاب این است که فراگیر تنها اسم، فعل و حرف را از هم تشخیص دهد؟ معرب و مبنی را بداند؟ اعراب ظاهری و تقدیری را بشناسد؟ مبتدا، خبر، فاعل، مفاعیل، حال،

«اعراب» بیاید؛ چراکه در این درس از کلمه «مبنی» تعریف به دست داده شده و به مبنی بودن فعل و حرف اشاره شده است، اما مشخص نیست بر اساس چه معیار و ملاکی بحث درباره اسم‌های مبنی به درس هشتم و نهم واگذار شده است. این پراکندگی و آشفتگی به نظر می‌رسد توجیهی نداشته باشد و برخلاف روش رایج در کتاب‌های معتبر نحوی است و در روند فراگیری خلل جدی ایجاد می‌کند.

چهارم اینکه در درس پنجم با عنوان «عوامل و علائم اعراب فعل مضارع»^{۱۲} عامل‌های رفع، نصب و جزم فعل مضارع طرح شده است، حال آنکه در مقدمه نحویه از کیفیت اعراب فعل مضارع سخن گفته می‌شود، نه از عوامل آن. اینکه فعل مضارع در چه صورتی مرفوع، منصوب و مجزوم می‌شود، از احکام ترکیبی^{۱۳} و وظائف نحوی است.^{۱۴} از این رو نباید در مقدمه نحویه آورده شود. چنان‌که در کتاب‌های معتبر نحوی که تبویب آنها بر اساس اعراب است، (ابن هشام، ۱۴۱۴ق) چنین ترتیبی دیده نمی‌شود. بر اساس نوع تبویب که در کتاب رعایت شده است، از عوامل فعل مضارع باید با عنوان‌های «فعل مضارع مرفوع و عامل رفع آن»، «فعل مضارع منصوب و عوامل نصب آن» و «فعل مضارع و عوامل جزم آن» در کنار عنوان‌های «اسم‌های مرفوع و عوامل رفع آنها»، «اسم‌های منصوب و عوامل نصب آنها» و «اسم‌های مجرور و عوامل جر آنها» بحث شود. دیگر آنکه چرا در «مقدمه نحویه» فقط از عامل‌های رفع، نصب و جزم فعل مضارع سخن به میان آورده شده و از عوامل رفع، نصب و جر اسم بحث نشده و به احکام ترکیبی در فصل‌های دوم، سوم و چهارم و انهداده شده است؟ چرا عکس این عمل نشده است؟ معیار و ملاک چه بوده است؟ در این باره در «مقدمه دانش نحو» توضیحی نیامده است.

پنجم اینکه گفته شده این کتاب برای نخستین مرحله فراگیری دانش نحو نوشته شده است و فراگیر با ساختار نحو به صورت کلی و اجمالی آشنا می‌شود.^{۱۵} در صفحه ۱۷ کتاب ساختار کلی دانش نحو به شکل نمودار ارائه شده است، حال آنکه کتاب بر پایه این ساختار کلی نوشته نشده است. در این صورت آوردن این نمودار در این قسمت از کتاب چه بار آموزشی برای فراگیر در پی دارد؟ به این پرسش پاسخ داده نشده است.

۱۶. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۱۳.

۱۷. همان، ص ۱۱.

۱۸. فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن، ج ۱، ص ۱۱۷.

۱۹. فرهنگ فارسی، معین، محمد، ج ۱، ص ۶۳.

۲۰. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۱۱-۱۲.

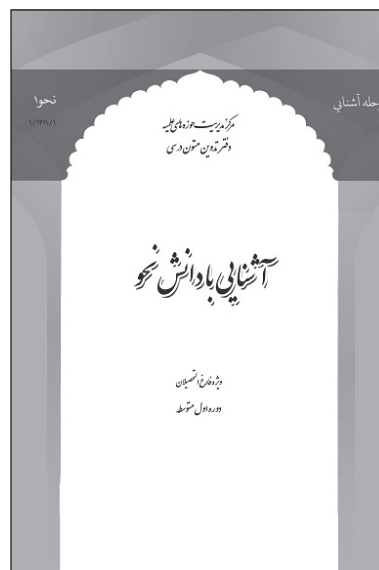
۱۲. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۴۳-۴۵.

۱۳. المقاصد الشافیة فی شرح الخلاصة الکافیة، الشاطبی، ابراهیم بن موسی، ج ۱، ۵۸۹.

۱۴. النحو المصنفی، عید، محمد، ص ۲۷۲.

۱۵. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۱۰-۱۱.

تمییز و... را تشخیص دهد؟ یا هدف آن است که فراگیر در اعراب‌گذاری و اعراب‌شناسی و جمله‌شناسی توانا گردد. نحوی که در این کتاب آمده، نحو الجملة و جمله دارای اعراب و اعراب یکی از قرائن فهم جمله است. از این رو هدف نهایی فراگیری این کتاب و هر کتاب آموزش نحو دیگر در هر سطح و هر مرحله‌ای باید به مهارت در شناخت جمله از نظر اعراب کلمات تشکیل دهنده آن و نقش آنها بینجامد.^{۲۱} این نوع از شناخت جمله، وظیفه دانش نحو است. این را باید هدف نهایی فراگیری این کتاب دانست. از این رو ساختار و محتوای این کتاب باید به گونه‌ای سازماندهی شود تا این هدف محقق و عملیاتی شود. با توجه به نقد و بررسی‌ای که از ساختار این کتاب گفته شد، ساختار این کتاب از نظر ترتیب و نوع تبویب در راستای هدف پیش‌گفته نیست. حتی می‌توان گفت در تحقق هدفی که این کتاب در پی دستیابی به آن است، تردید جدی وجود دارد. از نظر محتوا نیز، تعریف اصطلاحات، بحث‌های مقدماتی قبل از تعریف اصطلاحات و تمرین‌ها باید در راستای تحقق این هدف قرار گیرد. در ادامه محتوای کتاب را از زوایای مختلف نقد و بررسی می‌کنیم.



۱-۳. نقل و نقد تعریف‌ها

در این کتاب از برخی اصطلاحات تعریف به دست داده شده که نقد و بررسی می‌شود.

در تعریف دانش نحو گفته شده: «بدین سان در این مرحله، علم نحو را این گونه می‌توان تعریف کرد: قواعد کلی ناظر به حالات آخر کلمات و چگونگی ترکیب آنها با یکدیگر می‌باشد».^{۲۲}

نقد

اول اینکه سطح ارائه قواعد نحوی در یک کتاب (در این کتاب، مرحله آشنایی) نباید در تعریف اصطلاحات نحوی در آن تأثیر داده شود. چنان‌که ملاحظه می‌شود چنین تأثیری در تعریف دانش نحو در این کتاب رخ داده است. در تعریف پیش‌گفته از دانش نحو از قید «قواعد کلی» استفاده شده است. معنای این قید با این عبارت کتاب که گفته: «در این مرحله، دانش پژوه با ساختار علم نحوی صورت کلی و اجمالی آشنا می‌شود»^{۲۳} و عبارت بالا که این تعریف دانش نحو را، ویژه این مرحله (آشنایی) دانسته است معنا می‌شود. از آنجا که این کتاب برای مرحله آشنایی با دانش نحو نوشته شده و از ساختار کلی نحو بحث خواهد شد، در تعریف دانش نحو در این کتاب از قید «قواعد کلی» استفاده شده است. حال آنکه دانش نحو تعریف مشخصی دارد و با تغییر سطح محتوای کتاب‌ها نباید تغییر یابد.

دوم اینکه در این تعریف از قید «ترکیب» استفاده شده است. در صورتی که قید «تألیف» باید آورد شود؛ زیرا از یک سو واژه «تألیف» حاکی از الفت دو جزئی است که با هم ترکیب می‌شوند و هر تألیفی ترکیب است، اما بعضی از ترکیب‌ها تألیف‌اند. از سوی دیگر از کنار هم قرار گرفتن دو کلمه در دانش نحو، جمله تشکیل نمی‌شود.^{۲۴} از این رو در تعریف این دانش از قید «تألیف» استفاده می‌شود.

درباره فایده این دانش چنین گفته شده که «صیانت زبان عربی از وقوع لغزش و اشتباه در به کارگیری آن است».^{۲۵} معنای این عبارت این است که هر فراگیری با نحو آموزشی خود زبان عربی را از لغزش و اشتباه در به کارگیری حفظ می‌کند.

۲۱. بناء الجملة العربية، عبداللطيف، محمد حماسة، ص ۱۹.

۲۲. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمد رضا، ص ۲۲.

۲۳. همان، ص ۱۱.

۲۴. شرح التصريح على التوضيح، الأزهرى، خالد بن عبدالله، ج ۱، ص ۱۵؛ حاشية الصبان على شرح الاشموني، الصبان، محمد بن علي، ج ۱، ص ۵۹؛ بناء الجملة الاسمية دراسة في عوارض التراكيب، عبدالمنعم النجار، فكري، ص ۸۹-۹۱.

۲۵. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمد رضا، ص ۲۳.

نقد

باید گفت زبان عربی با مدون شدن قواعد آن برای همیشه صیانت شده است. باید پرسید این فایده چه نفعی برای فراگیر دارد؟ به این پرسش پاسخ داده نشده است.

موضوع دانش نحو، کلمه و جمله دانسته شده است.

نقد

اول اینکه اگر موضوع دانش نحو، جمله باشد، شامل جمله مفید نمی شود؛ چراکه در کتاب در تعریف جمله از قید مفید استفاده نشده است. حال آنکه در دانش نحواز جمله مفید سخن به میان می آید. دوم اینکه تبویبی که در کتاب به کار رفته (براساس اعراب) با موضوع دانش نحو که جمله دانسته شده است، تناسب ندارد. با توجه به موضوع دانش نحو صحیح آن است که تبویب کتاب براساس جمله اسمیه و جمله فعلیه صورت گیرد. سوم اینکه براساس دیدگاه نحویان معروف متقدم مانند سیبویه،^{۲۶} موضوع دانش نحو، کلام است و کلام و جمله مترادف اند. توضیح آنکه کلام را می توان به شکل های مختلف لفظی و غیرلفظی (اشاره، عقد، علائم و...) ابراز کرد. در دانش نحواز کلامی سخن گفته می شود که با لفظ ارائه می شود. الفاظ با هم تألیف می شوند و جمله ای دارای معنای مفید را به وجود می آورند. از این رو کلام و جمله مترادف اند. برخی اشکال کرده اند که چون جمله خبر، جمله صله، جمله شرط، جمله جواب و جمله ای که صفت و حال واقع می شود، دارای معنای مفید نیستند، پس کلام و جمله مترادف نیستند.^{۲۷} پاسخ این اشکال این است که جمله های یاد شده را نباید جدا از کلمه ها و جمله های قبل از آنها به صورت مستقل در نظر گرفت؛ چراکه جمله های فوق برای اكمال معنای آنها آورده شده اند و با ضمیر ارتباط میان آنها و جملات قبل نشان داده می شود.^{۲۸} بنابراین جمله «کتابه نظیفه» را در کلام / جمله «الطالب کتبه نظیفه» که با ضمیر به اسم قبل از خود مرتبط شده، نباید مستقل در نظر آورد و نامفید دانست.

در تعریف «کلمه» چنین آمده است: «کلمه لفظ مفردی است که از حروف الفبا شکل گرفته است و دارای معنای باشد».^{۲۹} در پاورقی شماره یک همین صفحه گفته شده: «منظور از لفظ صوتی است که از دستگاه تکلم انسان بیرون آید».

نقد

درباره این پاورقی باید گفت به هر صوتی که از دستگاه تکلم خارج می شود، نمی توان لفظ اطلاق کرد. بلکه به صوتی که دارای بعضی از حروف باشد، لفظ گفته می شود.^{۳۰}

در کتاب پس از تعریف کلمه به اقسام آن اشاره شده است، اما به علامت های آنها پرداخته نشده است.

نقد

در راستای تحقق هدفی که برای فراگیری این کتاب در آن ذکر شده است و هدفی که ما ترسیم کرده ایم، بیان علامت های اسم، فعل و حرف ضرورت دارد؛ چراکه در تعیین جمله از نظر اسمیه و فعلیه بودن،

۲۶. المقتضب، میرد، محمد بن یزید، ج ۱، ص ۵۵ و ج ۴، ص ۴۰۴؛ ابوبکر محمد بن سهل، ابن السراج، الاصول فی النحو، ج ۱، ص ۴۲، ۶۲، ۶۴.

۲۵۴، ۲۵۵؛ الايضاح العضدی، الفارسی، ابوعلی، ص ۹؛ اللمع فی العربیة، ابن جنی، ابوالفتح، ج ۱، ص ۲۷.

۲۷. مغنی اللیب عن کتب الاعراب، ابن هشام الانصاری، جمال الدین، ج ۵، ص ۷-۸.

۲۸. نظرات فی الجملة العربیة، الخالدی، کریم حسین، ص ۱۷-۱۸.

۲۹. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۲۸.

۳۰. المقاصد الشافیة فی شرح الخلاصة الکافیة، الشاطبی، ابراهیم بن موسی، ج ۱، ص ۳۲.

در تعریف جمله فعلیه و جمله اسمیه گفته شده: «چنانچه جمله‌ای با فعل شروع شود، فعلیه است مانند: جاء الحق و اگر با اسم شروع شود اسمیه است مانند: الله أحد. در پاورقی گفته شده اسمی که در آغاز جمله می‌آید باید مسندالیه باشد. در یادآوری گفته شده شروع جمله با حروف اثری در تعیین نوع جمله ندارد. از این رو جمله «قد أفلح المؤمنون» فعلیه و جمله «إن الله قادر» اسمیه است»^{۳۸}.

نقد

می‌توان جمله فعلیه و جمله اسمیه را به گونه‌ای تعریف کرد که نیازی به پاورقی و یادآوری مذکور نباشد.

قبل از تعریف اعراب مقدمه‌ای کوتاه آورده شده است. در این مقدمه گفته شده برخی از کلمات در زبان عربی بر برخی دیگر اثر می‌گذارند. برای نشان دادن این اثر به سه آیه «ولما يدخل الايمان في قلوبكم»، «ولكن الله حبيب اليكم الايمان» و «ومن يكفر بالايمان فقد حبط عمله» اشاره و سپس از اصطلاحات «اعراب»، «عامل»، «علامت اعراب» و «معمول» تعریف به دست داده شده است. ذیل عنوان «اقسام معمول» گفته شده معمول بر دو قسم است: کلمه معرب و کلمه مبنی.^{۳۹}

نقد

اول اینکه این مقدمه در راستای هدفی که برای فراگیری این کتاب بیان شده نیست؛ چراکه هدف از فراگیری آن، این دانسته شد که فراگیر مهارت نسبی در تطبیق آموخته‌ها بر جمله‌ها و عبارت‌های ساده را پیدا کند. حال آنکه در این مقدمه از سه آیه‌ای که از جمله ساده برخوردار نیستند و قابل بازتولید از سوی فراگیر نیست استفاده شده است. در یکی از کتاب‌های آموزش دانش نحو، مقدمه آورده شده پیش از تعریف اعراب، با جمله‌های ساده «طلع الهلال»، «شاهد الناس الهلال» و «فرح القوم بالهلال»^{۴۰} که قابل بازتولید از سوی فراگیر است آغاز شده است. دوم اینکه اساساً اعراب در کلام و به سبب عقد و ترکیب به وجود می‌آید.^{۴۱} بنابراین جای اعراب در کلام است و نمی‌توان از اعراب یک کلمه در بیرون از جمله سخن گفت.^{۴۲} در مقدمه پیش گفته جای این سخن خالی است. دیگر آنکه معیار تقسیم معمول به کلمه معرب

اعراب‌گذاری کلمات جمله و تعیین نقش کلمات جمله تشخیص اسم، فعل و حرف نقش مهمی دارد.^{۳۱} یکی از راه‌های این تشخیص، دانستن علامت‌های آنهاست.

در تعریف جمله گفته شده: «جمله گفتاری است که حداقل دارای دو کلمه باشد و ارتباط میان آن کلمات با اسناد برقرار شده باشد»^{۳۲}. درباره گستره بحث از جمله در این کتاب چنین اظهار نظر شده است: «به بحث جمله‌ها به طور جداگانه پرداخته نشده است. فقط در ضمن کلمه به اختصار بیان شده است»^{۳۳}.

نقد

اول اینکه چرا در تعریف جمله از قید «معنای مفید» استفاده نشده است. حال آنکه دو نمونه‌ای که ذیل تعریف جمله آورده شده (العلم نور؛ تبارک الله) علاوه بر اسناد دارای معنای مفیدند. دیگر آنکه چرا در کنار تعریف «جمله» از تعریف «کلام» سخنی به میان نیامده است؟ اشکال عمده دیگر این است که چرا در این کتاب و این مرحله به جمله به طور مستقل پرداخته نشده است؟ حال آنکه جمله از دیدگاه برخی از نحوپژوهان میدان دانش نحو و محور مطالعه نحوی است؛^{۳۴} از این رو از مسائل عمده دانش نحو و دارای اولویت است و برای تحقق هدفی که از فراگیری این کتاب در نظر است و هدفی که ما در نظر گرفته‌ایم باید به بحث جمله به طور مستقل و گسترده پرداخته شود.

در تعریف اسناد گفته شده: «نسبت دادن یکی از دو کلمه به دیگری را اسناد می‌گویند»^{۳۵}.

نقد

چنان‌که ملاحظه می‌شود در تعریف اسناد از قید «مفید» استفاده نشده است. برخی از نحوپژوهان در تعریف اسناد چنین گفته‌اند: «هو (الاسناد) ترکیب کلمتین أو ما جرى مجراها علی وجه یفید السامع»^{۳۶}. دیگری در تعریف اسناد چنین آورده: «نسبة کلمة علی آخری علی وجه یفید فائدة تامة»^{۳۷}. از این دو تعریف اسناد استفاده می‌شود که در تعریف اسناد آوردن قید «مفید» لازم است. از این رو تعریف کتاب از اسناد صحیح نیست.

۳۱. التطبیق النحوی، الراجحی، عبده، ص ۱۳-۱۵؛ دروس فی الاعراب، الراجحی، عبده، ص ۷.

۳۲. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۲۸.

۳۳. همان، ص ۱۷.

۳۴. التطبیق النحوی، الراجحی، عبده، ص ۱۳.

۳۵. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۲۹.

۳۶. مفتاح العلوم، سکاکی، یوسف بن ابی بکر، ص ۸۶.

۳۷. شرح التصریح علی التوضیح، الازهری، خالد بن عبدالله، ج ۱، ص ۲۰.

۳۸. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۲۹.

۳۹. همان، ص ۳۳-۳۴.

۴۰. النحو الوافی، حسن، عباس، ج ۱، ص ۷۲.

۴۱. شرح الرضی علی الکافیة، الاسترآبازی، رضی الدین، ج ۱، ص ۳۱ و ۵۳.

۴۲. النحو المصنوع، عید، محمد، ص ۲۴-۲۵.

در این کتاب در تمرین درس های ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۲۷ و ۳۰ از فراگیر خواسته شده آیاتی را ترکیب کند.

نقد

اول اینکه در جایی از این کتاب مراد از اصطلاح «ترکیب» با بیان نمونه ای توضیح داده نشده است. دوم اینکه چرا فقط در این درس ها این تمرین آورده شده است؟ سوم اینکه این نوع تمرین در راستای هدفی که از فراگیری این کتاب بیان شده نیست. توضیح آنکه در قسمت «تطبیق آموخته ها» که در پایان فصل ها آورده شده و سوره نبأ را مبنای تطبیق قرار داده، از فراگیر خواسته نشده آیه ای از آن را ترکیب کند. بنابراین هدف نهایی این کتاب فقط تطبیق آموخته ها به معنایی که بیان کردیم است. ما این هدف را پیش تر نقد کرده ایم. این آشفتگی در تمرین می تواند نشان دهنده این باشد که برای این کتاب در مرحله آشنایی و کتاب دوم در مرحله تسلط و کتاب سوم در مرحله تکمیلی راهبرد مشخصی تعریف نشده است و اساساً تعریف مشخص و تصور دقیقی از این سه مرحله وجود ندارد.

۳-۳. نقد بخش «تطبیق آموخته ها»

در این کتاب افزون بر بخش «تمرین» بخشی با عنوان «تطبیق آموخته ها» در پایان هر فصل در نظر گرفته شده است. هدف از این بخش آن است که طلاب آموخته ها شان را به طور جامع بر آیات شریفه پیاده سازی کنند. برای عملیاتی ساختن هدف این بخش، سوره «نبأ» به صورت کامل با بیان نکات ادبی هر آیه آن در پایان کتاب آورده شده است.^{۴۶}

نقد

اول اینکه آنچه در بخش «تطبیق آموخته ها» از فراگیر خواسته شده در بخش «تمرین» آمده است. دوم اینکه در بخش «تمرین» فعالیتی از فراگیر با عنوان «ترکیب کنید» خواسته شده که در بخش «تطبیق آموخته ها» نیامده است؟ چرا؟ با آنکه هدف از این بخش، پیاده سازی جامع آموخته های طلاب بر آیات دانسته شده است؟ پرسشی در اینجا مطرح می شود و آن اینکه مراد از کلمه «جامع» در عبارت بالا چیست؟ البته در بخش «تطبیق آموخته ها» در پایان فصل چهارم از فراگیر خواسته شده متعلق جار و مجرور در آیات ۳۶ تا ۴۰ را مشخص سازد.^{۴۷} از متعلق در درس بیست و سوم سخن گفته شده، اما در بخش «تمرین» پایان این درس پرسشی در این

و مبنی چیست؟ کلمه غیر منصرف نیز از اقسام معمول است. چرا ذکر نشده است؟

۲-۳. نقد بخش «تمرین»

در این کتاب برای کاربردی سازی و تثبیت مطالب، بخش «تمرین» در پایان هر درس و برای آنکه فراگیر آموخته هایش را به صورت جامع بر آیات تطبیق دهد، بخش «تطبیق آموخته ها» در پایان هر فصل آورده شده است.^{۴۳}

همان طور که بیان شد این کتاب نخستین متن آموزشی دانش نحو و متناسب با شرایط مخاطب تولید شده است. درباره هدف از فراگیری این کتاب (در مرحله آشنایی) چنین گفته شده: «انتظار می رود فراگیری گذراندن این کتاب، با مسائل مهم و مفاهیم کلیدی دانش نحو آشنا شود در عین حال به مهارت نسبی در تطبیق آموخته های خود بر جمله ها و عبارت های ساده برسد».^{۴۴} از این رو تمرین های این کتاب باید در راستای تحقق هدف این کتاب ساماندهی شده باشد.

نقد

اول اینکه در بیان هدف این کتاب توضیح داده نشده که «جمله ساده» و «عبارت ساده» چه جمله و عبارتی است؟ دوم اینکه برخی از تمرین ها فراتر از مرحله آشنایی است. برای نمونه در تمرین درس دوم از فراگیر خواسته شده پنج جمله اسمیه و پنج جمله فعلیه از آیات بیابد و مسند و مسندالیه آنها را مشخص کند. با توجه به هدف فراگیری این کتاب، درباره این تمرین باید گفت از فراگیری که در حال فراگیری نخستین کتاب نحوی و درس دوم آن است و ممکن است با قرآن انس نداشته باشد و حتی احتمال دارد در روخوانی قرآن توانا نباشد، نباید چنین تمرینی خواسته شود. سوم اینکه چگونه این تمرین آورده می شود در صورتی که علامت های اسم، فعل و حرف در کتاب بیان نشده است؟ یافتن جمله اسمیه و جمله فعلیه به توانایی فراگیر در شناخت کلمه برمی گردد.^{۴۵} چهارم اینکه آیاتی که برای قسمت «تمرین» آورده می شود نباید طولانی و پیچیده باشد. برای نمونه در تمرین درس پانزدهم از فراگیر خواسته شده آیه «و من یعمل سوءاً او یظلم نفسه ثم یتغفر الله یجد الله غفوراً رحیماً» را ترکیب کند. حال آنکه در مرحله آشنایی از آوردن آیه طولانی و پیچیده باید پرهیز شود.

۴۳. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۱۴-۱۵.

۴۴. همان، ص ۱۱.

۴۵. التطبيق النحوی، الراجحی، عبده، ص ۱۳-۱۵؛ دروس فی الاعراب، الراجحی، عبده، ص ۷.

۴۶. آشنایی با دانش نحو، پایانی، محمدرضا، ص ۱۴ و ۱۶.

۴۷. همان، ص ۱۵۶.

مورد آورده نشده است، بلکه در بخش «هم‌اندیشی و مباحثه» درس بیست و چهارم از فراگیر خواسته شده در سوره نبأ متعلق برخی از حروف جر را مشخص کند. نتیجه آنکه نیازی به بخش «تطبیق آموخته‌ها» نیست؛ چراکه بخش «تمرین» آن را پوشش می‌دهد و هدف آن را تأمین می‌کند.

گفته شده سوره نبأ با بیان نکات ادبی همه آیات آن در پایان کتاب آورده شده است.

نقد

اول اینکه توضیح داده نشده که چرا از بین سوره‌ها این سوره انتخاب شده است. دوم اینکه بیشتر تطبیق‌های خواسته شده از فراگیر در سوره نبأ ذیل آیات این سوره از قبل آمده است. سوم اینکه نکات ادبی‌ای که ذیل آیات این سوره بیان شده است، بسیار فراتر از سطح آشنایی است و با آنچه هدف از فراگیری این کتاب اعلام شده تناسب ندارد. برای نمونه از این قاعده که اگر حروف جر، «ما»ی استفهام را مجرور سازند، حذف الف آن واجب است^{۴۸} در کتاب سخنی به میان نیامده است، اما این قاعده در ذیل آیه اول سوره نبأ بر «عم» تطبیق داده شده است. در کتاب از معانی استفهام بحث نشده، اما بر استفهام در «عم» تطبیق داده شده است. چهارم آنکه از کل سوره نبأ ترکیب نحوی ارائه شده حال آنکه در بخش «تطبیق آموخته‌ها» از فراگیر خواسته نشده که آیه‌ای از این سوره را ترکیب کند.

نتیجه‌گیری

۱. برای متن آموزشی دانش نحو، آوردن دو مقدمه با عنوان‌های «مقدمه علم النحو» و «المقدمة النحویة / مقدمة الكتاب» ضرورت دارد. در کتاب «آشنایی با دانش نحو»، به «مقدمه علم النحو» اشاره نشده است. از این‌رو از نوع تبویب و ترتیب استفاده شده در کتاب سخنی گفته نشده است.

۲. حداقل دو تبویب بندی در کتاب‌های دانش نحورایج است: یکی بر اساس اثرعامل و یکی بر اساس جمله اسمیه و جمله فعلیه. در متن آموزشی دانش نحو، تبویب بر پایه جمله اسمیه و جمله فعلیه توصیه می‌شود؛ چراکه با دانش نحو که از ترکیب سخن می‌گوید تناسب دارد. از این‌رو فراگیری دانش نحو برای فراگیر آسان خواهد شد، اما در کتاب «آشنایی با دانش نحو» بدون آوردن علت، از تبویب بر اساس اثرعامل استفاده شده است.

۳. بر اساس استفاده از یکی از دو تبویب پیش‌گفته ترتیب هر کدام نیز باید رعایت شود. در کتاب «آشنایی با دانش نحو» ترتیب بر اساس تبویب به کار گرفته شده نیست.

۴. ساختار و محتوای کتاب در راستای تحقق هدفی که برای کتاب ترسیم شده نیست.

۵. در نوشتن متن آموزشی دانش نحو، لحاظ سطح مخاطبان نباید سبب حذف قواعد نحوی مهم که در فهم قواعد دیگر مؤثرند شود و در تعریف اصطلاحات خلل ایجاد کند.

۶. کتاب آموزش دانش نحو در حوزه نباید بر اساس مراحل آشنایی، تسلط و تکمیل تولید شود، بلکه با توجه به رسالت حوزه باید بر پایه سه مرحله زیر که به روش‌شناسی فهم صحیح آیات و روایات می‌انجامد نوشته شود:

الف) تطبیق نحوی یعنی بیان قواعد نحوی با هدف مهارت در اعراب‌شناسی و جمله‌شناسی و آمادگی برای ورود به مرحله توجیه نحوی.

۴۸. شرح شذورالذهب فی معرفة کلام العرب، ابن هشام الانصاری، جمال‌الدین، ج ۴، ص ۱۹.

ب) توجیه نحوی،^{۴۹} حاوی آموزش نحو پیشرفته و آشنایی با اصول نحو و مکاتب نحوی و اختلافات مکاتب و نحویان در اصول و قواعد نحوی. هدف، آمادگی برای ورود به مرحله سوم (توجیه اعرابی) برای نقد توجیه اعرابی ارائه شده از آیات و روایات از دیگران و دفاع از توجیه اعرابی خود.

ج) مرحله توجیه اعرابی، یعنی چگونه از معنا به نقش نحوی و اعراب صحیح رسیدن. هدف، ارائه روش فهم صحیح آیات و روایات با استفاده از قرائن مختلف از جمله اعراب. فرق این مرحله با مرحله اول در این است که در مرحله اول از اعراب به معنا می‌رسیم، اما در این مرحله از معنا به اعراب دست می‌یابیم. در همه این سه مرحله از آیات و روایات استفاده می‌شود.

کتابنامه

- ابن السراج، ابوبکر محمد بن سهل؛ الاصول فی النحو؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
- ابن جنی، أبو الفتح؛ اللمع فی العربية؛ عمان: دار مجدلاوی للنشر، ۱۹۸۸م.
- ابن هشام الانصاری، جمال الدین؛ شرح شذورالذهب فی معرفة کلام العرب؛ قم: مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
- ابن هشام الانصاری، جمال الدین؛ مغنی اللیب عن کتب الاعراب؛ تحقیق و شرح عبداللطیف محمد الخطیب؛ کویت: السلسلة التراثیة، ۲۰۰۲م.
- الزهري، خالد بن عبدالله؛ شرح التصريح على التوضیح؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۶م.
- الزهري، خالد بن عبدالله؛ شرح التصريح على التوضیح همراہ با شرح شیخ یاسین العلیمی بر التصريح؛ بی‌جا: دارالفکر، بی‌تا.
- الاسترآبادی، رضی الدین؛ شرح الرضی علی الکافیة؛ بی‌جا: جامعة قاریونس، ۱۹۷۸م.
- الخالدی، کریم حسین؛ نظرات فی الجملة العربية؛ عمان: دارالصفاء للنشر و التوزیع، ۲۰۰۵م.
- الراجحی، عبده؛ التطبيق النحوی؛ قاهره: دارالمعرفة الجامعیة، ۲۰۰۰م.
- الراجحی، عبده؛ دروس فی الاعراب؛ بی‌جا: دارالمعرفة للجامعیة، بی‌تا.
- الشاطبی، ابراهیم بن موسی؛ المقاصد الشافیة فی شرح الخلاصة الکافیة؛ ریاض: جامعة إم القرى مكة المكرمة، ۲۰۰۷م.
- الصبان، محمد بن علی؛ حاشیة الصبان علی شرح الاشمونی؛ بی‌جا: المكتبة التوفیقیة، بی‌تا.
- العونی، حمیده؛ الأسس المنهجیة لتبویب النحو العربی؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۵م.
- الفارسی، أبوعلی؛ الايضاح العضدی؛ ریاض: کلیة الآداب، ۱۹۶۹م.
- القنوجی، صدیق بن حسن؛ أبجد العلوم؛ دمشق: منشورات وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۷۸م.
- انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲ش.
- پایانی، محمدرضا؛ آشنایی با دانش نحو؛ قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمی، ۱۳۹۵ش.
- حسن، عباس؛ النحو الوافی؛ قاهره: دارالمعارف، بی‌تا.
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر؛ مفتاح العلوم؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- عبداللطیف، محمد حماسة؛ العلامة الاعرابیة فی الجملة بین القديم و الجدید؛ کویت: مكتبة أم القرى، ۱۹۸۴م.
- عبداللطیف، محمد حماسة؛ بناء الجملة العربية؛ قاهره: دارغریب، ۲۰۰۳م.
- عبدالمنعم النجار، فکری؛ بناء الجملة الاسمیة دراسة فی عوارض التراكیب؛ قاهره: مكتبة الآداب، ۲۰۱۶م.
- عید، محمد؛ النحو المصفی؛ قاهره: عالم الکتب، ۲۰۰۹م.
- میرد، محمد بن یزید؛ المقتضب؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- مختار عمر، احمد؛ النحو الاساسی؛ چاپ ۴، کویت: ذات السلاسل، ۱۹۹۴م.
- مصطفی جمال الدین، مهندس؛ دلالة المعنی الظاهر علی المراد الجدی؛ بیروت: منشورات زین الحقوقیة و الأدبیة، ۲۰۱۵م.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.

۴۹. نگارنده این اصطلاح و اصطلاح «توجیه اعرابی» را در مقاله «نقد توجیه اعرابی و تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در کتاب الاترالعقدی» با استفاده از آیات مفهوم‌شناسی کرده است. این مقاله از سوی دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان، «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن» پذیرفته شده است و در شماره ۲ این مجله، زمستان و پاییز ۱۳۹۶ چاپ خواهد شد.